

مراسم تاسوعا و عاشورای ۹۴ خانه توانگری



هر سال به احترامش، میزبان قدمهای دوست داران سرورمان هستیم و این مراسم را تقدیم میکنیم به دوست دارانش،

شمایی که عقل تان از خرافه گرایی بدرد می آید و غم میخورید از کاسبیها و قلدریها و بی اخلاقیهایی که به اسم شریفش رخ میدهد؛

به شماییکه سنت گرامیداشت شاهنشاه عشق را دوست دارید و شور و شعور را با هم میپسندید شمایی که شیعیگی را هنوز بی ادبی و توجیه گری نمیدانید بلکه آل الله را ستاره ای میدانید که راه را گم نکنید

ایمان و توانگری، مراسم تاسوعا و عاشورا

میزبان شما هستیم در سخنرانی امسال دکتر شیری

عنوان : ما و امام حسین (ع) ، تعریفی دوباره

زمان : جمعه و شنبه ساعت ۱۵ الی ۱۷

مکان: ضلع جنوبی پارک آب و آتش ، آمفی تئاتر سازمان بنادر ایران

به دوستان جانی لطفا خبر دهید

به احترام دوستانی که تهران تشریف ندارند ، کلیه فایلهای صوتی و اسلایدهای این دو روز در کانال تلگرامی رادیوتوانگری تقدیم خواهد شد (لینکش در بيو این صفحه هم برای کلیک هست)

[radiotavangary-https://telegram.me/](https://radiotavangary-telegram.me/)

به احترام حسین (ع)، امامی که باید از نو

شناخت (انتشار دوباره)



به احترام حسین ، امامی که باید از نو شناخت (۱)

من در هیات های حسن اباد بزرگ شده ام و مسجد فخر الدوله و تکایای خیابون سپه تهرون و بعدش ارک و هیات لباس فروشهای مخابراتالدوله و نصفه شبهای جمعه شاه عبدالعظیم و شیخ حسین و جناب فاطمی نیا و...

از ۱۶ سالگی پا منبر خیلی ها بوده ام و اینها باعث شد از یه جایی به بعد دست به مطالعه ای نسبتا حرفه ای درباره اسلام ، نبی اکرم ، فلسفه ، جریانهای دینی دنیا ، بودیسم، تائویسم ، مسیحیت ، یهودیت، کابالا و عرفان و تصوف اسلامی و عرفانهای مختلف و روانشناسی دین ورزی و جامعه شناسی دینی و...بزنم که هنوز از بهترین علاقه مندیهای مطالعاتیم هستند

من بدون اینکه لازم باشد به اعتقاد کسی حمله ای کنم تا خود را اثبات کنم ، دوباره مسلمان شدم و دوباره شیعیگی را پسندیدم بدون اینکه بقیه را گوسفند و مهدور الدم وببینم ، نه اینکه فکر کنید ژست روشنفکری باشه بلکه ادراکم از خداوند همراه با میانسانی خاصی که درش هستم باعث شده روح دین داری برایم دلنشین باشه، مولوی و شکسپیر و امیلی دیکنسون و ملاصدرا و شیخ اشراق و ...از جانم دلربایی میکنند .

اما حضرت اباعبدالله

درباره حسین بن علی آنقدری منابع اصلی را خوانده ام که بتوانم خرافه و اسطوره را از واقعیت تمییز بدهم، حداقلش اینه که توی خیلی از روضه خوانیها میتوانم عقلم را خاموش نکنم و تحت تاثیر نوروترانسمیترهای سیستم هیجانیم ، توهم برم نداره که چون احساساتی شده ام الزاما "شیعه بهتری" هستم.

منبرهای مغز راستی

بعضی تکایا و هیئات ، با نغمه و ضرب آهنگ واحه های زیبا و طنین و صدای مداح و... بنا دارد با تحریک سیستم احساسی ، شنونده را به حالتی احساسی نزدیک کند که به روح یک ایین نفوذ کند اما روح آیین به جان کسی نفوذ میکند که چرایی واقعه عاشورا را بتواند بصیرانه ادراک کند ، در این صورت است که زیبایی ادراک میشود و فرد عزادار ، آگاه تر و مسوول تر به ویرانه جان خود خواهد پرداخت و به جامعه خود نیز بهتر خدمت خواهد کرد (زیرا مسوولیت پذیری مولا را میفهمد)

احتمالا کسانی مثل من هستند که دوست دارند درباره حسین بن علی طوری بخوانند و بشنوند که بتوانند امروز درست تر زندگی کنند نه اینکه غمباد اتفاقی ۱۴۰۰ ساله را بردارند بدون اینکه هیچ اتفاق خاصی در زیستن شان رخ دهد ، که نمیدهد.

نسبت بعضی ها با ائمه ، به عنوان نمادهای هدایت (نجم ظاهره به تعبیر حضرت رضا) تبدیل شده به نسبت فامیلی و دل سوختنهای پسرخاله ای. چنین حسینی بناست جای همه ناکامی های ما قرار بگیرد و موجب بغضی و اشکی شود و نه اشکی که بعدش من کمتر یزیدی بزیم. جایی که حسین حضور دارد ، یزید مچاله میشود ولی امروزه یزیدکها خود سیاه پوش میشوند و ریاکارانه میگیرند !

وا حیرتاه !

اسامی مداحان (نماینده شور و هیجان مغز راستی) با فونتی ۱۰ برابر علما نوشته میشود (که بناست مظاهر تفکر و تحلیل مغز چپی باشند) زیرا مردم دنبال چیزی هستند که به آنها " احساس شیعه بودن" بدهد نه شعور شیعیگی که توش خودباوری است و مسوولیت پذیری

در نوشته هایی که اخیراً میخوانم ، از وبلاگ راز سر به مهر محمد معینی^۱ قطعه زیر را انتخاب کرده ام :

سلام عزیز

برای خیلی ها انگار این عزاداری های محرّم تبدیل شده به یک چیزی شبیه کریسمس؛ فرقی نمی کند کاتولیک باشی، پروتستان، ارتودکس و یا بودایی، و یا حتی آتئیست، کلیسا برو باشی یا نباشی، انجیل و تورات خوانده باشی یا نه، اما کریسمس، شب تولد مسیح، شب تولد کلمه ی خودِ خدا، جشن می گیری. حرجی نیست بر این، اما این جشن دیگر جشن میلاد کلمه «خدا» نیست؛ فقط یک بهانه شادی و دور هم جمع شدن است.

الان و اینجا هم انگار هیچ فرقی نمی کند که دروغ و تهمت زن قهّاری باشی یا نباشی، برای خودت و دیگران یزیدک و معاویه کوچکی باشی یا نباشی، اهل غلتیدن در چرب و شیرین عافیت باشی یا نباشی؛ محرّم که برسد، ماهی که بنده خوب خدا حج را برای حاجی ها گذاشت و برای اصلاح امور امت بیرون آمد و کشته شد، سیاه می پوشی ... این دیگر عزاداری برای حسین «خدا» نیست ... محرّم را بدل کرده ایم به یک آیین دور هم جمع شدن های پرسرو صدا، بستن راه مردم و خراشیدن بی وقت گوش خانه ها با صداهای آلوده، و به راحتی یادمان می رود که حق الناس حقی نبود که حتی حسین هم بتواند و بخواهد از جانب دیگری از آن گذشت کند.

گرامی من! دیشب رفته بودم به یکی از این مراسم های عزاداری. گفته بودم فقط برای شنیدن سخنرانی سخنران می آیم؛ آقای دکتر حجت الاسلام و المسلمین ... خوب پیش می رفت تا رسید به داستان تماشای دشت کربلا از بین دو انگشت امام حسین توسط ام سلمه و برگرفتن خاک کربلا از آن بین تا که ظهر عاشورا، رنگ خاک عوض شد و به سرخی زد ... گفتم: خدا حافظ، من رفته و دیگر بر نمی گردم برای این داستانهای غریب.

دل آرام! به مزره های کفر نزدیک شدم انگار! ... می خندی؟

۱- وبلاگ راز سر به مهر در این آدرس خواندنی است : http://mmoeeni14.blogspot.de/2013/11/blog-post_7.html

2- خلاصه درسهای دکتر شیرینی در سخنرانی روز تاسوعا با حجت الاسلام برمائی

۳- زیبایی دعا را به خرافه نکشایم

همه اسلایدهای درس محبوبیت و جذابیت

اجتماعی- درسهای روانشناسی اجتماعی

در دو جلسه به شاخصهای مطروحه در روانشناسی اجتماعی درباره مبحث محبوبیت و جذابیت پرداختیم- برای مطالعات بیشتر کتاب روانشناسی اجتماعی بارون- ویراست یازده سال 2006 ترجمه دکتر یوسف کریمی معرفی میگردد (نشر روان)- جلسه بعدی درس درباره بحث [خشونت](#) میباشد که چگونه در جامعه ایرانی بررسی بشود



خشونت در جامعه ایرانی چقدر جدی است؟



کدام عفوئتهای اجتماعی جامعه ما را فرا گرفته است ؟
به نظر میرسد خشونت و ریا از جدی ترین نگرانیهای مسوولین کشورمان باشد
اتفاقاتی نظیر حیوان کشی در ایران (قتل پلنگهای ایرانی در مازندران تیر 94 ، شکنجه ماده گفتار در رامهرمز - اردیبهشت 94) یا اسید پاشی به دخترانمان در اصفهان نشان دهنده اوضاع وخیمی در توزیع خشونت در کشور است.
وقتی دزد به منزل شما میزند ، نیروی انتظامی شما را به صفی طولانی از پیگیری و برو و بیا میکشاند که خودت بیخیال بشوی و بری دنبال زندگی و این باعث میشود مردم خودشان در بعضی موارد به احقاق حقشان اقدام کنند و این یعنی تکثیر خشونت
سیستم قضایی با تاخیرهای طولانی در پرونده هایی مثل کهریزک یا اسیدپاشی یا هفت تیر کشی بعضی خواص ، موجب سرخوردگی مردمان از رجوع به پشتوانه قانون میگردد.
تشکیلاتی مثل شهرداری ها از سویی مراکز کنترل خشم تاسیس میکنند از سویی با گسیل داشتن ماموران

ضد سد معبر و عناوینی دیگر با ماشینهای خوف آور به جان دستفروشان می افتند، با چه نمودی ؟ تحقیر و تنبیه. اون کاسب دوره گرد سرخوردگی اش را با خط کشیدن روی اموال ثروتمندان و سوزاندن صندلی اتوبوسهای منتهی به استادیوم خالی میکند. اینها موجب سرخوردگی و خشمی پنهان در مردم میگردد که در خشونت خانگی علیه زنان و کودکان ، دعوای خیابانی ، ترافیکهای بدون احترام رخ مینمایند.

روانشناسی اجتماعی حرفهای جالبی در این باره به ما می آموزد که در جلسه آتی بدان خواهیم پرداخت. ورود برای علاقه مندان آزاد است

اسلایدهای درس روانشناسی اجتماعی :

محبوبیت در اجتماع

جلسه ششم مقدماتی بر روانشناسی اجتماعی به موضوع محبوبیت پرداخت. جلسه بعدی یکشنبه 25 مرداد ساعت 14 خواهد بود و ادامه همین بحث است و ورود برای عموم آزاد است (اتوبان حقانی، خروجی مجموعه ورزشی شهید کشوری)



تصویر مرد جذاب ولی خطرناک مثل قصی پسر کوچک صدام

تئوری پنجره شکسته

شایان غدیری قطعا از سرمایه های آینده روانشناسی مملکت است که من در دوره ارشد روانشناسی بالینی ، معلمش بوده ام و این روزها به من در تیم پرسش و پاسخ خانه توانگری کمک میکند سوالات مردم را پاسخ دهیم، مطلب زیر را او برایم فرستاده و برایم بسیار جالب بود و امیدوارم من و همکارانم در خانه توانگری ، در تله این داستان سقوط نکنیم



ساختمان خالی از سکنه‌ای را در کنار یک خیابان پر رفت و آمد، در حالی که شیشه‌ی یکی از پنجره‌هایش شکسته است تصور کنید. مشاهده‌های علمی نشان می‌دهد که اگر پنجره شکسته ظرف مدت کوتاهی، تعمیر نشود، عابران این پیام را از ساختمان می‌گیرند که کسی نگران ساختمان نیست و نظارتی وجود ندارد. پس شیطنت شروع می‌شود و پنجره‌های سالم ساختمان مورد هدف قرار می‌گیرند و ساختمان تغییر شکل می‌دهد و البته ادامه این روند می‌تواند منجر به ورود میهمانان ناخوانده به ساختمان بی‌صاحب شود و آثارش از سطح به عمق نفوذ کند. اتفاقی که در اشکال مختلف شاهد آن بوده‌ایم.

توصیف فوق، خلاصه‌ای است از یک نظریه جرم‌شناسی به نام «[پنجره شکسته](#)». نظریه‌ای که در دهه هشتاد و نود میلادی به کمک شهردار نیویورک آمد تا جرم‌خیزترین مترو جهان را که شهر زیرزمینی خلافکاران و اشرار به حساب می‌آمد سر و سامان بدهد. شهرداری نیویورک، در اولین اقدام خود به بازسازی واگن‌های مترو پرداخت و دستور داد تا واگن‌هایی که طی روز با اسپری رنگ، نوشتن یادگاری و... آسیب می‌بینند، شبانه از خط خارج شوند و تا صبح روز بعد رنگ‌آمیزی و تعمیرشده به خط برگردند. در واقع همه این کارها، یک پیغام داشت؛ حواسمان به همه چیز هست و هیچ خلاقی را تحمل نمی‌کنیم و این چنین بود که مترو ناامن نیویورک تبدیل به یکی از امن‌ترین متروهای جهان شد.

اکنون استفاده از تئوری پنجره شکسته در زندگی شخصی و تربیت کودک و تجارت و کسب‌وکار، کارآیی دارد

پنجره‌های شکسته را بیابیم و تعمیر کنیم . مطمئن باشید اوضاع بهتر خواهد شد

پنجره های شکسته کار و زندگی ما کجاها هستند

در اقتصاد، پس نگرفتن جنس فروخته شده یا معطل شدن پشت تلفن برای راهنمایی گرفتن برای تعمیر یک وسیله و شنیدن چند باره موزیک انتظار، نوعی از پنجره شکسته است

پی نوشت از ویکی پدیا: این نظریه در سال ۱۹۸۲ توسط جیمز کیو. ویلسون و جرج ال. کلینگ در

مقاله‌ای معرفی شد. پس از آن بحث‌های زیادی در [علوم اجتماعی](#) و مجامع عمومی درگرفته است. این تئوری به عنوان یک انگیزه برای اصلاحات در سیاست [جنایی](#) به کار گرفته شده است. مطالعات تجربی زیادی درباره تئوری پنجره شکسته انجام شده است

با آدم ضعیف تر از A%

با آدم ضعیف تر از خودت که پینگ پونگ بازی کنی، بعد نیم ساعت بازی به گند کشیده میشه؛ برای قدرت بیشتر نباید حتی يك دقیقه با آدمهای بی انگیزه و شکست خورده و نق نقو ، وقتت را حروم کنی. با افراد همیشه نالان و ضعیف معاشرت نکن



آیا “گرختی اجتماعی” **social numbness** گرفته ایم؟



این بچه گربه در بازار فرش نزدیک مسجد کبود استانبول Blue mosque توسط یک مغازه دار تغذیه و مراقبت میشد و رهگذران با او کیف میکردند ، مادرش در یک تصادف از بین رفته بود و صاحب مغازه با شیشه شیر و سرنگ به او شیر میداد . در ترکیه احترام خاصی به حیوانات اهلی مثل سگ و گربه میشود، شاید عجیب باشد ولی اکثر سگ و گربه های استانبول میکروچیپهای الکترونیک (مثل اطلاعات شناسنامه ای و واکسن و محل) در گوششان مثل گوشواره حمل میکنند (یعنی شهرداری تحت فشار سازمانهای مردم نهاد دست به این کار گسترده زده است). زیرگرفتن اتفاقی حیوانات در ترکیه موجب سه ماه توقیف اتومبیل و دادگاهی شدن راننده میشود.



در روستایی در رامهرمز ، با تفنگ ساچمه ای ماده کفتاری را هفته پیش میزنند و بدن زخمی این جانور را با طناب میبندند به سمند و کیلومترها در خیابانها میکشند و فیلمش را در یوتیوب میگذارند . هجم سبعیت این ماجرای دهشتناک (حیوان ازاری) روان آدمی را از هم میدرد. متأسفانه علیرغم اقدام اداره محیط زیست و محیط بانی ، کفتار ماده در اثر سوختگی ناشی از کشیده شدن روی زمین به مدت طولانی پس از 4 روز تلف میشود . اداره محیط زیست استان خوزستان اقدام کرده برای شکایت و خدا میداند به کجا ختم میشود ولی اهمیت حساسیت در این باره و رها نکردن آن در شبکه های اجتماعی و مطبوعات از این حیث است که خشونت موجب ترویج خود در بینندگان میشود. کودکان ما در معرض خطرند.

در تهران معلم ورزشی به جرم آزار جنسی کودکان تحت بازجویی قرار میگیرد، یکی از مسوولین آموزش و پرورش – که به احتمال زیاد بیماری روانی دارد– اعلام میکند که بعضی از کودکان قربانی به این عمل بی میل نبوده اند ! الله اکبر به این بلاهت که مسوول آموزش و پرورش وقت منطقه ، فهمش از انحراف جنسی البته که در ذیل انحرافی نادیده تر قرار دارد

در قسمت آخر سریال انقلاب زیبا صحنه ای شدید شکنجه بدون هیچ هشداری به خانواده های بیچاره ایرانی به نمایش گذاشته میشود

در بعضی اخبار تلویزیون ما ، صحنه عریان و خشونت بار زخمیهای ناشی از جنایات انتحاری و بمبارانهای نیروهای ائتلاف سعودی و اسرائیل و در هر جنگی در منطقه برای مردم نمایش داده میشود

چه پخش صحنه های بازسازی شده شکنجه در سریال انقلاب زیبا باشد چه بی تفاوتی رسانه ای نسبت به حیوان ازاری چه کرخت شدن شدن نسبت به کودک ازاریهای مدارس . مایلم تاکید کنم که اگر اینجا را سفت بگیریم ، در آینده چرا فاجعه ای مثل اسیدپاشی اصفهان تکرار نشود؟ اگر پلیس مملکت اینقدر قوی نیست که بعد از ماهها هیچ خبری از دستگیری جنایتکاران نشده ، طبقه اجتماعی حساس این دیار نباید دچار سرشدگی در برابر ” خشونت های اجتماعی ” بشود. ” بی تفاوت ” نباشیم

چگونه از چشم یک مرد شایسته بپفید ؟ دو قانون



قوانین افتادن از چشم يك مرد “شایسته”

اینقدر برای اهدافتان بجنگید که بیشتر یک “جنگجوی قابل احترام” دیده شوید تا یک “دختر خواستنی” ! هدفمندی مهم است ولی نه به اندازه ای که “مرد شایسته” ات خسته بشه

برای جلوگیری از بدفهمی منظور اصلیم ، دو نکته عرض میکنم :

1- مشاور بسیاری از دختران شایسته و موفق این کشور بوده ام ، به زره میدانم تنهایی و خستگی و نگاه حسرت آمیز به فرزندان هم کلاسیهای مدرسه ، در یک دختر 38 ساله با مدرک MBA و پوزیشن مدیریت ارشد یک کمپانی خارجی معتبر در ایران با کلی دستاورد و ...چقدر تلخ است. من سالها به این زنان کمک کرده ام ، ازدواجهایی عالی کنند و آنرا دستمایه شادیهای دیگرشان کنند ، اینقدر کامنت مثبت واقعی گرفته ام از زندگی واقعی این زنان که نیازی به like شبکه مجازی ندارم . در نوشتنم مطمئنم هرچند استثناها را رد نمیکنم.برای دختران شایسته سرزمین مینویسم و کاری به تئوریهها و جریانات سرکاری محافل روشنفکرنا ندارم ، معنای لبخند یک زن را دقیقاً میدانم که چیست ، پس اگر حوصله دقت در بحث ندارید ، وقتتان را حفظ کنید و برید کلی صفحات انگیزشی در نت هست برای دلخوشیتان، این پست کسانی نیست که نفسشان از جای گرم بلندمیشه

2- مرد شایسته ، در زندگیش به اندازه کافی جنگیده ، زنان زره پوش را میبیند ، درک میکند ، میستاید ولی بعید است آنها را بیش از “همکار” خود انتخاب کند. ” همسری” متعلق به زنیست که بلد است زره را به موقع از تن در آورد و اجازه دهد مرد ، مسوولیتهای جدی و فرسایشی سکنداری خانواده را به عهده بگیرد ؛

3- در آلمان 30 % زنان هرگز ازدواج نمیکنند ، بستر فرهنگی مردم آلمان چنین فضایی را فراهم آورده است و البته که همه این 30 % حسرتی نیز نمیکشند و فرصتهای دیگر سبک زندگی برایشان موجود است. اما در ایران ، قصه اینطور نیست ، چه خوشمان بیاید چه نیاید ! این فشار فرهنگی برای مجرد نماندن و فرزند داشتن البته که ستون پنجمی نیز در فردیت دختران ایرانی دارد زیرا هیچ شب یلدا و شب عید و ...نیست که نداشتن فرزند به چشم دختر موفق ایرانی در سن مثلاً 35 سالگی نیاید. من انکار نمیکنم که زنانی هستند موفق در کشورم که سبک زندگی مجردی را پسندیده اند و موفقند اما نمیتوانم چشم بر اکثریتی که در این پست فیس بوکی گذاشته ام ، ببندم. یقیناً در تحلیل مسائل زن ایرانی باید عقب ماندگی اجتماعی بسیاری از ما مردان را نیز لحاظ کرد ولی من نمی آیم فرصت طلایی فعلی را به ” تحلیلهای بی انتهای” جامعه شناسی بگذارم در حالیکه پسران میتوانند تا 45 سالگی در این کشور ازدواجهای خوب کنند و این دیار بی رحم به دختر بالای 35 سال نگاه بسیار تلخ بیندازد ! یقین بدانید امثال من تیزهوشی درک این شرایط نابرابر را داریم و به همین دلیل است که بین تحلیل عملگرایانه (پراگماتیست) و قصه

نویسهای جامعه شناسایانه در این زمینه تفاوت بزرگی رخ میدهد. ما دنبال تحلیل نیستیم دنبال حل سریعتر ماجراییم. تحلیل گران بعدها فرصت دارند دلایل موفقیت عملکرد ما در تسریع ازدواج و شادمانی و رشد دختران موفق ایرانی را تحلیل کنند

4- زنان دهه 50 و 60 رشدهای باورنکردنی در تاریخ جامعه شناسی ایران کردند ، مردان ما اینقدر رشد نکردند ، این وسط تعدادی مرد هستند که شایسته اند ، زحمت کشیده اند هم درونی هم بیرونی. موقعیتهای حساس شغلی و مدیریتی و ... کسب کرده اند ، معنی جنگ را میدانند. دنبال دختر خنگ موطلائی هم برای ازدواج نیستند که وابسته باشد و بی عرضه. اما سوال دقیق اینجاست که آیا دنبال زنی هستند که عمده هویتش مدرک فوق لیسانس و پروژه های پی در پی و جنگ جویی های بی انتهاست ؟ احتمالا نه ! آنها زن باهوشی میخواهند که معنی "هارمونی" را بفهمد و بتواند برای مدتی هم که شده queen باشد نه king ! کمتر کار کند و احساس قربانی شدن نکند ، فرزندشان را از یکسالگی به جای اعطای عشق مادرانه ، به عشقهای کاذب مهدکودکها نسپرد. به جای کار تمام وقت ، نیم وقت کار کند و اعتماد کند به شایستگی مرد . در این صورت مرد میدرخشد ، کمی بعد میتواند دوباره کار کرد دوباره پروژه برداشت ولی دست از مسابقه پیشرفت شغلی و مالی در زندگی زن کشید و به ارزشهای خانوادگی نیز بها داد

5- قبل از اینکه دوستان فمینیست ورم کنند ، عرض میکنم که مرد "شایسته" دنبال زن بی عرضه دست و پا چلفتی و وابسته نیست. موفقیتهای همسرش را میستاید اما او را خسته از کار و دائم دنبال پیشرفتهای مردانه (پوزیشن و پول و ...) نمیخواهد .

مردی که شایستگی عنوان پادشاه kings را دارد ، دنبال queen ملکه است نه یک پادشاه دیگه !



خروج از دهان تمساح



من بزرگ شده محله حسن اباد تهران هستم ، صبح تا شب را تو کوچه ها به بازی و شیطنت میگذرانیدیم ، چیزی که امروز جاش را آید نمیدونم چطوری میخواد پر کنه ؟

تو محل ، ما یه قهرمان داشتیم از ما سنی بزرگتر بود به اسم سعید ، شاید 13 سالش بود. اسلوب سعید این بود که اگر زورش تو دعوا میرسید ، میزد و اگر نمیرسید ، شلوغش میکرد با بد و بیراه گفتن و نهایتا کسانی بودند که وسط را بگیرند که دعوی زد و خوردی سر نگیره اما ظاهر قهرمانی سعید هم حفظ بشه. حمیدنامی هم تو محلمون بود که وقتی با یکی قلدرتر از خودش دعواش میشد یا با چند نفر در می افتاد ، پا پس نمیکشید و دعوا را ادامه میداد ، حسابی هم کتک میخورد و همیشه هم زخم و زیلی بود ولی جلوی بچه های محل پز میداد که کم نیاوردم ! حقیقتش در مجموع

سعید مدل آبرو مندانه تری بود و بعدا هم رفت دانشگاه و کارخانه داری موقر شد. حمید الان تو حسن اباد تو یه ابزار فروشی یه شغل بخور و نمیر زیر دست مغازه دار، داره ولی احتمالا خوشحاله در جنگهای زندگی کم نیاورده (!) و اینطوری شکستهای زندگیش را سهل الهضم تر میکنه



معادل سیاسی حمید محله ما ، صدام حسین عراق بود. او در جنگهای خلیج برای اینکه جلوی غرب کم نیاورد ، سخنرانیهایی توفنده ایراد کرد و کشورش را به سهمگین ترین تحریمهای تاریخ کشاند. کتابی که انتشارات هاروارد به قلم دکتر جوی گوردن منتشر کرده است ، به اسم #جنگ پنهان ، حقایق تلخی را از نابودی تمدن و فرهنگ و صنعت عراق در طول تحریم و حملات آمریکا بیان میدارد. به خلاصه مطلب توجه بفرمایید

- تحریمهای بین المللی به سرکردگی آمریکا از 1990 تا 2003
- شروع سیاست نفت در برابر غذا 1996: دولت صدام با قاچاق و رشوه و پورسانتهای این دوره نزدیک به 2 میلیارد دلار به جیب زد (ص 296 کتاب)
- حمله نهایی به عراق 2003
- مدت حکومت دولت اشغال 14 ماه : 18 میلیارد دلار پول صندوق ارزی عراق در این مدت به شکل ناباورانه ای به غارت دولت اشغالی در آمد و به شرکتهایی نظیر هالیبرتون و رسید. تنها در یک مورد بازرسی ارائه شده به کنگره ایالات متحده 8.8 میلیارد دلار پول نقد دولت عراق اساسا غیب شد که هنوز خبری از آن نیست .
- ظرف سالهای 1990 تا 2003 ، بیش از نیم میلیون کودک زیر 5 سال عراقی در اثر نبود دارو و واکسیناسیون و غذای کودک کشته شدند.
- بودجه آموزشی کودکان عراقی پیش از جنگ 230 میلیون دلار و در اولین سال تحریم به 23 میلیون دلار رسید
- حقوق کارمندان دولتی کل عراق در سال 1995 به ماهی 3 دلار تنزل یافت (قبل از تحریم ماهی 200-300 دلار)

واقعیت وحشتناک تر اینست که وقتی نیروهای غربی سال 2003 به عراق عملا مرده ، حمله کردند ، صدها کمپانی غربی ، از قبل وعده بازسازیهای مهندسی شده را گرفته بودند. پادتان باشد صنعت برق عراق در اثر حملات ناتو به 5% توان پیش از جنگ رسید یعنی 95% برق عراق نابود شد؛ الان کدام کمپانی آلمانی مشغول فروش هسته های تولید برق به عراق است ؟ زیمنس ! چقدر از برق عراق به خطوط نیرو برگشت ؟ تنها 30% و معنیش اینست که نیم قرن آینده را عراق همچنان گدایی صنعت و تکنولوژیک از آلمان باید کند

تقسیم غنایم : غارتگری چین و روسیه و برادران قاچاقچی هنگام تحریم + غارتگری کشورهای تحریمگر پس از تحریم

- سیستم تحریمها طوری مهندسی میشود که نه تنها اقتصاد یک کشور فلج شود بلکه با به روز شدن هر روزه صنایع دنیا و عقب ماندگی تکنولوژیک صنایع کشور تحریم شده ، بازاری عالی برای دوران پس از تحریم ایجاد میشود که کشورهای تحریم کننده از آن نهایت بهره وری را میکنند .

- شرکت شل انگلستان رشوه هایی عظیم در سال 2008 از پادشاهی قطر دریافت کرد که تکنولوژیهای استحصال گاز را به ایران برای استخراج گاز میادین پارس جنوبی نهد (برای 50 سال)
- البته که در دوران تحریم نیز کشورهای مثل چین و روسیه با قرار دادهایی ننگین ، فروشهایی زورگویانه و تحمیلی ، نهایت غارتگری را از صنایع نفتی و اتمی ما در این سالها کردند. روسها هزینه ساخت چندین راکتور را از ما برای راکتور بوشهر اخاذی کردند و قرارداد تحویل موشک را یکطرفه به بهانه تحریمها لغو کردن و تهدید کردند که ایران جریمه قرارداد را واخواهی نکند دست آخر نیز در مجمع بین المللی پشت ما را خالی کردندو البته در برابر این غارتگریهای روسها همیشه دلواپسان کفن پوش صبورند و البته ان الله مع الصابرين !



دیشب که سخنرانی پرزیدنت اوباما را گوش میکردم چه لذت عمیقی بردم وقتی او توصیفش از مذاکرات را یک **تفاهم تاریخی** اعلام کرد ، راستش را بخواهید به شکل حیرت آوری یاد سریال house of cards افتادم و به نظر هر کسی که به بازیهای روانی سیاست علاقه مد است باید نگاهی به این سریال با دقت بیندازد . واضح بود که روی صحبت اوباما با جمهوریخواهان کنگره بود ، درست عین دکتر ظریف که روی صحبتش با دلواپسان پایداری بود وگرنه که هم در آمریکا کسی دنبال جنگ نیست هم عمده مردم ایران از دنبال عزت واقعی هستند نه توهمات شبيه دولت قبل از عزت و مدیریت جهانی و....

و در آخر

به نظر میرسد که دولت آقای روحانی و در راس مذاکرات ، هوشمندی فوق العاده دکتر ظریف باعث شد از دهان تمساح زورگوی غرب بیرون بیفتیم و حالا وقتش است که مثل چین یا ترکیه با تکیه بر اقتصادی قوی و حمایتی ملی مثل دوران مصدق ، به قدرت واقعی خود نزدیک شویم. مطمئنا اوباما تصمیم گرفته است با قدرت دهی به ایران در منطقه ، وزنه سعودی و نتانياهو را سبک گرداند (علت کارشکنی فرانسه تا الان این بود که از میانبر زدن کاخ سفید لجش در آمده بود) و اینجاست که با قدرت نمایی مهندسی شده **سرداران وطن پرستی مثل سردار سلیمانی و یقه سفیدهای وزارت خارجه و سرداران اقتصادی پر هیبتی مثل زنگنه وزارت نفت** که حقا نفت و گاز ایران را در این دو سال نجات داد و **دیپلماسی آشتی با همسایگانی مثل ترکیه و عربستان** ، میتوانیم به جایگاه شایسته خود برگردیم